

بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی در بین شهروندان شهر خرم آباد

دکتر علی حسین حسین زاده^۱، نبی الله ایدر^۲، الهام عباسی^۳

چکیده

مشارکت شهروندی تحت تأثیر عوامل و متغیرهای گوناگون فردی و اجتماعی است. هدف این در پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی است. روش تحقیق پیمایشی و جامعه آماری مورد مطالعه سرپرستان خانوارهای شهر خرم آباد هستند. داده ها با استفاده از پرسشنامه خودسنجی و از حجم نمونه ۱۸۲ نفری، با استفاده از فرمول کوکران به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شد. نتایج پژوهش نشان داد بین متغیرهای فایده مندی مشارکت شهروندی، جامعه پذیری مشارکت شهروندی، اعتماد اجتماعی و پایگاه اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. تحلیل رگرسیون چندگانه و نتایج تحلیل مسیر نشان داد که فایده مندی مشارکت شهروندی، جامعه پذیری مشارکت شهروندی و اعتماد اجتماعی مهمترین و تعیین کننده ترین عوامل تأثیرگذار مثبت و مستقیم بر مشارکت شهروندی محسوب می شوند در حالی که پایگاه اجتماعی - اقتصادی تأثیری غیرمستقیم بر مشارکت شهروندی دارند. **واژه های کلیدی:** مشارکت شهروندی، فایده مندی مشارکت شهروندی، جامعه پذیری مشارکت شهروندی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، اعتماد اجتماعی.

1- دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

2- دانشجوی دکتری و عضو هیأت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد واحد شوشتر

3-مدرس دانشگاه پیام نور آکشتَر

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۲۴

مقدمه و بیان مسأله

چگونگی اداره جامعه از مسائل مهم حیات بشری است که ریشه در نیازهای طبیعی و اجتماعی وی دارد. واقعیت‌های زندگی انسان‌ها نشان می‌دهد که زندگی انسان در تنهایی و انزوا ناممکن و ناپسند است. چگونگی تنظیم روابط اجتماعی و اداره اجتماعات از همان آغاز همواره مورد توجه انسان‌ها بوده است. امروزه پس از میلیون‌ها سال تجربه حیات اجتماعی روش‌های اداره جوامع از نظر شکل و محتوا یک روند رو به کمال را طی کرده است. محوری‌ترین تفاوت این روش‌ها را اصل مشارکت^۱ تعیین می‌کند. فعالیت گروه در گروه مشارکت اعضا است و مشارکت اعضا هویت زندگی گروهی را تداوم می‌بخشد. مشارکت در اصل ندای فطرت است و با زندگی انسان‌های اولیه شروع و با گذشت زمان زندگی انسان‌ها را دگرگون کرده و در هر دوره‌ای به شکل‌های متفاوت تأثیر داشته و در زندگی انسان‌ها برای بهبود آن و اجرای عدالت اجتماعی مؤثر بوده و با پیشرفت فرهنگ اجتماعی و به وجود آمدن انقلاب صنعتی از قرن نوزدهم به بعد، مشارکت به اشکال گوناگون در توسعه کشورها نقش بسزایی داشته است (محبوبی، ۱۳۸۲: ۹۶). شهروند مدرن در قبال حقوق شهروندی خود تعهداتی دارد که رعایت آن از الزامات شهروند بودن است. مفهوم شهروندی گسترده‌تر از شهرنشینی بوده و شهروندان منفعل فاقد شخصیت مدنی هستند. بنای مشارکت که در روند مدنیت جامعه مطرح است دارای زیر پایه حق و تکلیف است و مشارکت نقش اساسی و تعیین کننده در هویت یابی فرد و تبدیل آن به شهروند دارد. با نگاهی به قانون اساسی کشور اهمیت و ضرورت این امر روشن تر می‌شود که حق مشارکت از مهمترین مصادیق شهروندی است.

از اواخر دهه ۵۰ میلادی و به دنبال شکست برنامه‌های توسعه مبتنی بر دیدگاه نوسازی، مفهوم مشارکت و توسعه مشارکتی^۲ در ادبیات توسعه مطرح شد. عدم موفقیت این برنامه‌ها در رسیدن به اهداف خود، این باور را تقویت کرد که فقدان مشارکت‌های مردمی در

1- Participation

2- participatory Development

طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها موجب ناکامی آنها شده است. از این رو در واکنش به این امر، مفهوم مشارکت به عنوان «دخالت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های عمومی و برنامه‌ریزی در زمینه‌های مربوط به آن» (بام، ۲۰۰۴: ۱۸۴) مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفت و فرآیندهای تقویت‌کننده مشارکت مردم، به عنوان زمینه اصلی توسعه مطرح شد.

در اواخر دهه ۱۹۷۰ سازمان جهانی بهداشت جهانی، اصطلاح مشارکت شهروندی^۱ را برای نخستین بار در بحث مراقبتهای اولیه بهداشت مطرح ساخت. در سال ۱۹۹۶، مشارکت شهروندی به عنوان یکی از طرح‌های مؤثر در بهبود زندگی شهری از سوی اجلاس سازمان ملل در زمینه اسکان بشر، با عنوان طرح مشارکت مردم در اداره امور شهری ارائه گردید (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۴). تجربه کشورهای مختلف جهان در طرح‌های توسعه شهری نشان می‌دهد اجرای طرح‌ها در بسیاری از موارد از توان دولت خارج و موفقیت طرح در گرو مشارکت مردم در مراحل مختلف طرح است و استفاده از مشاوره عمومی باعث می‌شود که طرح‌ها در مرحله اول تا حدود زیادی در تدوین اهداف و قابلیت‌های اجرایی با موفقیت همگام باشند. امروزه نیز در کشور ما با افزایش جمعیت و گسترش فیزیکی شهرها، ارائه خدمات شهری با مشکل روبرو بوده است. به طوری که مشکل مسکن، کمبود فضای سبز کافی، آلودگی هوای ناشی از تردد اتومبیل‌ها، جمع‌آوری زباله‌ها، حاشیه نشینی و تعارضات گروهی، از جمله عوامل نارضایتی در کلان‌شهرهای ایران است. برای حل این معضلات توجه به مشارکت به عنوان یک نظام کارکردی در سطح کلان، میانی و خرد با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، تقویت روحیه همبستگی و کاهش تعارضات گروهی، از بین بردن فرهنگ حاشیه نشینی، شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت، بسط ارزشهای دموکراتیک سهیم شده در منابع قدرت و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری همراه است (وحیدا و نیازی، ۱۳۸۳: ۱۲۰). مشارکت شهروندان در امور شهری باعث افزایش درک و آگاهی شهروندان از مسائل مربوط به آنها و نیاز متقابل به یکدیگر می‌شود. به ایجاد جامعه بهتر کمک و، توانایی‌های یک جامعه را برای هماهنگ کردن کنش‌های افراد به

منظور توسعه و بهبود کالاهای جمعی ارزشمند تقویت و. حکومت گری بهتری ایجاد می کند و فرصت های تدوین سیاست های هوشمندانه را افزایش می دهد (ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۵)، و از طرفی این امکان را برای شهروندان فراهم می کند که خصوصیات فردی خود همچون اعتماد به نفس، احساس قدرت، دانش، توانایی حل مشکلات را در درون خود تقویت کنند. با گسترش روابط خود با سازمانها و شرکت در برنامه ریزی ها به توسعه سازمانی و با بحث در مورد منافع مشترک خود، جامعه و حل اختلافات، به توسعه اجتماعی کمک کنند که به تبع این امر باعث رشد و پیشرفت جامعه در حالت کلی خواهد شد (بام، ۲۰۰۴). با توجه به افزایش مشکلات شهری در مناطق شهری ایران و لزوم مشارکت شهروندان در حل این مشکلات و همچنین ضرورت وجود مشارکت شهروندی در مسائل شهری مسأله اساسی که در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد، عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی در بین شهروندان شهر خرم آباد است.

اهداف پژوهش

هدف کلی:

هدف کلی در این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی در بین شهروندان شهر خرم آباد است.

اهداف جزئی:

- ۱- بررسی رابطه اعتماد اجتماعی با مشارکت شهروندی در بین شهروندان شهر خرم آباد
- ۲- بررسی رابطه فایده مندی مشارکت شهروندی با مشارکت شهروندی در بین شهروندان شهر خرم آباد.
- ۳- بررسی رابطه ی جامعه پذیری مشارکت شهروندی با مشارکت شهروندی در بین شهروندان شهر خرم آباد

۴- بررسی رابطه ی پایگاه اجتماعی- اقتصادی با مشارکت شهروندی در بین شهروندان شهر خرم آباد

پیشینه تحقیق

احمدی در تحقیقی تحت عنوان عوامل مؤثر بر گرایش شهروندان به مشارکت در اداره امور شهرها در شهر فرخ شهر استان چهارمحال بختیاری به این نتایج رسید که: بین متغیرهای مهمی از جمله احساس بی قدرتی، فایده مندی و حقوق شهروندی و گرایش شهروندان به مشارکت، رابطه معناداری وجود دارد.

ربانی و همکاران (۱۳۸۶)، در تحقیق با عنوان بررسی تأثیر رفاه اقتصادی و اجتماعی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد مطالعه شهر اصفهان) به این نتیجه دست یافتند که مناسب بودن منطقه سکونتی، احساس محرومیت نسبی، اعتماد نهادی، رضایتمندی بهداشتی و رضایتمندی اجتماعی بر میزان مشارکت مؤثر بوده اند.

ادیبی سده و هارطونیان (۱۳۸۶)، در تحقیق با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی- سیاسی و فرهنگی ارمانه جلفای اصفهان به این نتیجه رسیدند که بین سن، تعلق اجتماعی، افزایش میزان آگاهی فردی و اجتماعی، رضایت از امکانات و وضعیت جامعه با میزان مشارکت رابطه معناداری وجود دارد.

عباس زاده (۱۳۸۷)، در تحقیقی تحت عنوان مشارکت شهروندان در اداره امور شهری شهر اصفهان به این نتیجه رسید که متغیرهای عوامل اجتماعی و گرایشی، بیشترین تأثیر و متغیرهای رفاه غیرمادی، تأمین نیازهای اولیه و فرهنگی کمترین تأثیر را بر میزان مشارکت کل شهروندان در امور شهری داشته اند.

دوچرتی و همکاران^۱ (۲۰۰۱)، در تحقیقی با عنوان فرهنگ مدنی، جامعه و مشارکت شهروندان در محله‌های متضاد به این نتیجه رسیدند که فرهنگ مدنی، نهادهای سیاسی، سیاست‌های عمومی و آموزش در مشارکت شهروندان مؤثر است.

اوهمر^۱ (۲۰۰۷)، در تحقیقی با عنوان مشارکت شهروندان در سازمانهای محله و ارتباط آن با خودکارآمدی، اثربخشی جمعی، حس اجتماعی، به این نتیجه رسید که: مشارکت روزانه اعضای سازمانها با یکدیگر باعث افزایش خودکارآمدی، اثربخشی و حس اجتماعی می شود.

چارچوب نظری

هابرماس

هابرماس وجود نهادهای مدنی و گستره همگانی را آن بخش از حیات اجتماعی می داند که ضمن حفظ استقلال خود نسبت به بخش های رسمی و غیررسمی، زمینه را برای گفتگوی آزاد و خردمندانه و به دور از سلطه کنش ارتباطی رهایی بخش فراهم می سازد. علاوه بر این او بر ویژگی های شخصیتی افراد و توان آنان بر خودیابی و قطع وابستگی از بخش های رسمی و غیررسمی نیز تأکید می کند زیرا شرکت های اقتصادی فراملیتی، دولت ها و رسانه های جمعی وابسته به آنها از تهدید کنندگان نهادهای مدنی و گستره همگانی اند. آنها با منطق حاکم بر حوزه های اقتصادی و سیاسی یعنی عقلانیت ابزاری در جهت کنترل نهادهای مدنی و بسط هرچه بیشتر سلطه خود عمل می کنند (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۶۹). هابرماس به دنبال جامعه ای است که در آن کنش ارتباطی تحریف نشده و آزاد وجود داشته باشد. به نظر او امکان رهایی از سلطه راه کنش ارتباطی آزاد میسر است که حوزه عمومی زمینه و بستر ساز آن است. نظریه کنش ارتباطی، نقطه اتکای نظریه اجتماعی را به رابطه گفت و شنودی و اساساً اجتماعی دو یا سه گوینده و شنونده ای مرتبط می کند که به صورت دوجانبه و همزمان نه یک نوع ادعای اعتبار، بلکه سه نوع آن را عنوان می کند. از نظر وی، تعامل ارتباطی واسطی است که از طریق آن، اذهان متکلم و کنشگر گفتار کنش خود را در هم می تنند. از طریق این واسط و فرایند عادی به تفاهم رسیدن است که به یکدیگر وابسته می شویم (پیوزی، ۱۳۷۹: ۱۰۴). بنابراین بر اساس دیدگاه هابرماس باید

1- Mary L. Ohmer

فضایی ایجاد کرد که افراد به دور از دستگاه‌های ایدئولوژیک به مشارکت و گفتمان بپردازند که این گفتمان نیز بر پایه اعتماد و صدق رفتار کنشگران در کنش ارتباطی بین یکدیگر میسر می‌شود.

لیپست

سی مور مارتین لیپست^۱ جامعه‌شناس معاصر در کتاب انسان سیاسی خود تلاش نمود که متغیرهای متعددی را در مدلی کلی برای تبیین مشارکت تنظیم نماید. وی در این مدل به طور عمده بر متغیرهای اجتماعی تأکید دارد. لازم به توضیح است که این متغیرها آشکارا به صورت جامعه‌شناختی است که پدیده مشارکت یا عدم مشارکت اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی را در فرایند اجتماعی، سیاسی؛ مانند انجمن‌ها، سندیکاها، کارگری، شوراهای محلی، انتخابات، احزاب و مانند آن براساس چندین عامل کلی اجتماعی تبیین می‌کنند. لیپست در دو سطح توصیف تبیین، مدل نسبتاً جامعی را از عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت ارائه داده است (قاسمی، ۱۳۸۴). به نظر وی «کارگرانی که در اجتماع شغلی فعال هستند در امور تشکیلاتی فعال ترند، بنابراین درجه بالای مشارکت اجتماعی با نتایج سیاسی که به بار می‌آورد متأثر از عواملی چون پایگاه شغلی است» (کلدی، ۱۳۸۱: ۴۲). لیپست براساس یافته‌های پژوهشی در کشورهای مختلف میزان مشارکت را در فرایندهای اجتماعی در میان مردان، گروه‌های تحصیلی کرده، متأهلین، شهرنشینان، افراد میان سال و افراد دارای منزلت و همچنین اعضای سازمان‌ها و احزاب، سندیکاها و شوراهای بیشتر می‌داند. و با تأکید بر همبستگی بین شهرنشینی، گسترش سواد، رسانه‌های گروهی و پیدایش نهادهای مشارکتی به تشریح مشارکت افراد می‌پردازد (غفاری، ۱۳۸۶: ۵۴).

1- C. M M. Lipset

پارسونز

مفهوم مشارکت به طور مبسوطی در نظریه کنش اجتماعی پارسونز مورد تحقیق و بحث قرار گرفته است. وی توانست با تلفیق عوامل خرد (ارگانیزم رفتاری، نظام شخصیتی، نظام اجتماعی، نظام فرهنگی و هدف غایی) و کلان (اقتصاد، سیاست، اجتماع و فرهنگ) با توجه به سلسله مراتب سیبرنتیک، کنش و نقش اجتماعی را در قالب دیدگاههای نظام مند مورد تحلیل قرار دهد. پارسونز کنش اجتماعی را «همه رفتارهای انسانی می داند که انگیزه و راهنمای آن معانی است که کنشگر آنها را در دنیای خارج کشف می کند. ویژگیهای اصلی کنش اجتماعی در حساسیت کنشگر به معانی چیزها و موجوداتی است که در محیط هستند و آگاهی یافتن به این معانی و واکنش به پیامهای است که می فرستند.» (گی روشه، ۱۳۷۶:۵۶).

پارسونز الگویی پایه ای از کنش اجتماعی را معرفی می کند که این الگو نخست از کنشگر انسانی و سپس یک سلسله هدفها مقاصد تشکیل می شود که کنشگر باید از میان آنها انتخاب کند او باید وسایل مختلفی را هم برای رسیدن به این مقاصد انتخاب می کند. در اینجا هم این کنشگر است که انتخاب کند اما این انتخابها در خلا صورت نمی گیرد، محیط از شماری از عوامل مادی و اجتماعی ساخته شده است که دامنه این انتخابها را محدود می کند. مهم تر از همه اینها محیط، شامل هنجارها و ارزشها و سایر افکار عموماً پذیرفته شده ای است که بر انتخاب هدفها و وسایل تأثیر می گذارد. از این رو کنش اجتماعی از یک کنشگر، وسایل و اهداف و محیطی ساخته می شود که شامل موضوعات مادی، اجتماعی، هنجارها و ارزشها است. پارسونز فرض بر این است که هر کنشگر خواهان به حداکثر رساندن رضایت خاطر است و چنانچه با دیگری در کنش متقابل قرار گیرد و رضایت خاطر کسب کند، این کنش متقابل تکرار خواهد شد (کرایب، ۱۳۸۶:۵۵).

با توجه به علاقه اصلی پارسونز به نظام اجتماعی، فراگردهای ملکه ذهن ساختن و اجتماعی کردن در این تلفیق اهمیت اساسی دارند و این به آن معناست که او به شیوه های انتقال هنجارها و ارزش های یک نظام به کنشگران درون نظام علاقه مند بوده است. در

یک فراگرد اجتماعی شدن موفق این ارزشها و هنجارها ملکه ذهن می شوند یعنی به صورت بخشی از وجود کنشگران یا وجدان آنها در می آیند. در نتیجه این فراگرد کنشگران ضمن دنبال کردن منافعشان، در واقع به مصالح کل نظام خدمت می کنند. به گفته خود پارسونز ترکیب الگوهای جهتگیری ارزشی که به دست می آید تا اندازه زیادی نتیجه کارکرد ساختار، نقش بنیادین و ارزشهای مسلط نظام اجتماعی است (ریترز، ۱۳۸۵: ۱۳۶).

هومنز

جورج هومنز مشارکت را در قالب نظریه مبادله مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. دیدگاه اصلی هومنز این است که جامعه شناسی باید به تبیین رفتار فردی و کنش متقابل انسان بپردازد. او کم تر به مقولاتی چون آگاهی یا انواع گوناگون ساختارها و نهادهای اجتماعی بزرگ که بیشتر جامعه شناسان در وهله نخست آنها را مورد توجه قرار می دادند، پرداخت. آنچه محور توجه او قرار داشت عبارت بود از شرح الگوهای تقویت و سابقه پاداش ها و هزینه هایی که افراد را آنچه انجام می دهند رهنمون می کنند. اساسی ترین فرض نظریه مبادله این است که افراد رفتارهایی را که در قبال انجامشان پاداش می گیرند تکرار می کنند و از رفتارهایی که قبلا هزینه زیادی برای آنان در برداشته پرهیز می کنند. آنچه که در کنش متقابل افراد توجه هومنز را به خود جلب می کرد، وجود مبادله در رفتار آنان بود. از این رو، نظریه مبادله به آنچه که ظاهراً افراد در کنش متقابل شان به دست می آورند و آنچه که در عوض به طرف مقابل می دهند می پردازد. هومنز آشکارا معتقد بود که در هر کنش متقابلی، چیزهایی مبادله می شود. این تبادلات محدود به مقولات اقتصادی نمی شود (پول و کالا) چرا که پاداش دادن به رفتار مناسب اجتماعی شکلهای دیگری چون تأیید، احترام، عشق، محبت، وفاداری و دیگر نموده های غیر مادی یا نمادین را نیز شامل می شوند. هرچه شمار افرادی که به کنش متقابل می پردازند بیشتر شود، مبادلات آنان پیچیده تر می شود. زمانی که افراد دریابند که استثمار می شوند یا برخورد ناعادلانه با آنان صورت می گیرد رابطه خود را قطع یا گروه را ترک می کنند. خلاصه در مبادله هومنز رفتار

اجتماعی عبارت است از مبادله یا عملی محسوس یا نامحسوس توأم با میزانی از پاداش یا هزینه‌ها دست کم بین دو فرد رخ می‌دهد. هومنز با طرح پنج قضیه کوشید تمام رفتارهای انسان را توضیح دهد (دیلینی، ۱۳۸۸: ۳۹۳-۳۹۵).

هومنز معتقد بود که همه رفتارهای انسان را می‌توان به کمک این پنج قضیه عام تشریح کرد این قضایای عام چهار طبقه از متغیرها را با یکدیگر مرتبط می‌کنند که عبارتند از: تعداد دفعاتی که یک شخص کنش را تکرار می‌کند؛ دفعاتی که یک کنش پاداش یا تنبیه به دنبال دارد، یا هیچ یک را در بر ندارد، میزان پاداش یا تنبیه که کنشگر با آن مواجه می‌شود و در نهایت، شرایط محیطی یعنی محرک‌های موجود در کنش فرد. باید توجه داشت که نیازی به این نیست که فرد به علت کنش معنی که از او سر می‌زند، پاداش دریافت کند. این پنج قضیه عبارتند از: موفقیت، محرک، ارزش، محرومیت- اشباع و پرخاشگری- تأیید (ریترز، ۱۳۸۵: ۴۲۳-۴۳۲).

با توجه به تأثیرگذاری عوامل متعدد بر مشارکت، نظریه ای کلی که به صورت ساده همه یا بیشتر متغیرهای مربوط به مشارکت شهروندی را در بر داشته باشد، مطرح نگردیده است. بر این اساس، چارچوب نظری منتخب این تحقیق برگرفته از نظریات پارسونز، هابرماس، لیپست و هومنز است.

فرضیات تحقیق

- ۱- به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی و مشارکت شهروندی افراد شهر خرم آباد رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین فایده مندی مشارکت شهروندی و مشارکت شهروندی افراد شهر خرم آباد رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین جامعه پذیری مشارکت شهروندی و مشارکت شهروندی افراد شهر خرم آباد رابطه معنادار وجود دارد.

۴- به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و مشارکت شهروندی افراد شهر خرم آباد رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

روش به شیوه گردآوری داده‌ها که در همه علوم یا بخشی از آن مشترک است، گفته می‌شود (میلر، ۱۳۸۰: ۱۵۱). هرگاه جامعه مورد نظر از وسعت زیادی برخوردار باشد و دسترسی به تک تک افراد امکان پذیر نباشد، مناسبترین تکنیک، به کارگیری پیمایش^۱ است. در تحقیق حاضر روش پیمایش که عام‌ترین روش تحقیق در علوم اجتماعی محسوب می‌شود؛ استفاده شده و تکنیک به کار گرفته شده، استفاده از پرسشنامه است. همچنین از لحاظ معیارهای مختلف طبقه بندی، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، از نوع مطالعات مقطعی، پنهانگر، توصیفی- تبیینی و کاربردی است که در سطح جامعه شناسی خرد به اجرا در می‌آید. جمعیت آماری در این تحقیق، سرپرستان خانوارهای ساکن در مناطق چهارگانه شهر خرم آباد در سال ۱۳۸۹ که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد خانوارهای این شهر ۳۳۳۹۴۵ نفر بوده است، که بر اساس فرمول کوکران، به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تعداد ۱۸۲ نفر از افراد سرپرست خانوارهای این شهر به عنوان حجم نمونه این پژوهش انتخاب شدند. مراحل نمونه‌گیری در این پژوهش بدین صورت بود که ابتدا طبق پژوهشهای انجام شده توسط دانشجویان برنامه ریزی شهری و همچنین مطالعات اکتشافی صورت گرفته مناطق ۳ گانه شهر خرم آباد از نظر منزلتی به پنج خوشه تقسیم شده. از درون هر کدام از مناطق که به بلوکهای مشخص تقسیم شده اند، اطلاعات جمع‌آوری شد. بدین صورت که بین فهرست بلوکهای هر ناحیه، تعدادی بلوک (یک دهم حجم نمونه در هر ناحیه) به صورت تصادفی انتخاب و سپس با منظور کردن عدد ۱۰ به عنوان فاصله نمونه، در هر بلوک ۱۰ خانوار نمونه به صورت منظم انتخاب شدند. بعلاوه در هر بلوک نقطه شروع نمونه‌گیری از بین اعداد ۱ تا ۱۰ به صورت تصادفی تعیین شده. در ساخت

پرسشنامه و سنجش متغیرها، از طیف لیکرت استفاده شده است که پس از جمع آوری پرسشنامه ها، داده ها به وسیله نرم افزار SPSS پردازش و در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. اعتبار پرسشنامه به صورت اعتبار صوری انجام شده بدین صورت که پس از طراحی پرسشنامه و در اختیار متخصصان گذاشتن آن، به توافق کلی آنها در مورد اعتبار پرسشنامه رسیدیم. برای پایایی متغیرهای پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که مقدار این ضریب برای مشارکت مردمی ۰/۸۴، اعتماد اجتماعی ۰/۸۳، فایده مندی مشارکت ۰/۸۶، جامعه پذیری مشارکت ۰/۷۹ و پایگاه اجتماعی-اقتصادی ۰/۷۸ به دست آمد.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

در مطالعات پیمایشی تعریف مفاهیم و متغیرهایی که در تحقیق به کار رفته و مشخص کردن تعریف عملیاتی و تعیین سطوح سنجش آنها برای آزمون فرضیات بسیار ضروری است. در این پژوهش متغیرها در دو دسته قرار دارند: متغیر وابسته (مشارکت شهروندی) و متغیرهای مستقل (اعتماد اجتماعی، فایده مندی مشارکت شهروندی، جامعه پذیری مشارکت شهروندی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی).

مشارکت شهروندی

مشارکت شهروندی نوعی آمادگی روانی و فعالیت عمومی داوطلبانه در بین افراد، برای دخالت در تعیین سرنوشت خود جامعه است. برای عملیاتی کردن این متغیر در دو بعد تمایلی و رفتاری از ۲۲ گویه به صورت طیف لیکرت استفاده شده است. برخی گویه ها عبارتند از: تا چه حد تمایل دارید جهت پیگیری در امور محله در مواردی چون آسفالت خیابان، روشنایی، فضای سبز و ... به سازمانهای مربوطه مراجعه کنید، تا چه حد تمایل دارید در انتخابات شورای شهر همکاری و فعالیت داشته باشید، در یک سال گذشته چقدر به کسانی که به اموال عمومی شهر (مثل فضای سبز پارکها و صندلی اتوبوسها، آسیب می

زنند تذکر داده اید، در یک سال گذشته چقدر به کسانی که برای ساکن محل مزاحمت ایجاد می کنند تذکر داده اید و

اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی دلالت را انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمانها و نهادهای اجتماعی دارند تعریف کرده اند (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۵). برای عملیاتی کردن این متغیر در دو بعد اعتماد بین فردی و اعتماد بین نهادی از ۱۲ گویه به صورت طیف لیکرت استفاده شده است. برخی گویه ها عبارتند از: می توان به حمایت خویشاوندان در شرایط سخت زندگی امیدوار بود، مردم این روزها به دنبال این هستند که از زندگی دیگران سردر بیاورند، مردم به مسئولان شهر اعتماد دارند، مسئولان شهر به نظرات مردم اهمیت می دهند و ...

فایده مندی مشارکت شهروندی

منظور را از ... این تصویری است که فرد از نتایج مشارکت شهروندی در ذهنیت خود دارد. برای عملیاتی کردن این متغیر در از ۶ گویه به صورت طیف لیکرت استفاده شده است. برخی گویه ها عبارتند از: همکاری و فعالیت در احزاب سیاسی مختلف جز اتلاف وقت هیچ فایده ای برای فرد ندارد، پرداخت به موقع عوارض باعث بهبود مشکلات و کاستی های شهر خواهد شد، مردم با مشارکت فعال در امور سیاسی می توانند رویدادهای کشور را کنترل کنند و ...

جامعه پذیری مشارکت شهروندی

فرآیند مستمر یادگیری که به موجب آن افراد از راه کسب اطلاعات و تجربیات در خانواده، مدرسه و گروه همسالان با عمل مشارکتی آشنا می شوند. برای عملیاتی کردن این متغیر از ۶ گویه به صورت طیف لیکرت استفاده شده است. برخی گویه ها عبارتند از: «تا

به حال چقدر اتفاق افتاده که مجری مراسم خاصی باشید، تا چه اندازه در دوران کودکی و نوجوانی خود در تصمیم‌گیری‌های اساسی مربوط به امور خانه و زندگی نقش داشته‌اید و ...).

پایگاه اجتماعی - اقتصادی

پایگاه اجتماعی توجه، اعتبار و ارزشی است که جامعه برای نقش اجتماعی فرد در گروه و طبقه قائل است (آراسته خو، ۱۳۸۱: ۲۹۷) و پایگاه اقتصادی وضعی را در یک فرد در رژیم اقتصادی داراست و یا وضعیت او را در بخش تولیدی دقیق‌تر نشان می‌دهد (بیرو، ۱۳۷۰: ۱۱۰). برای عملیاتی کردن این متغیر از ترکیب تحصیلات سرپرست خانوار، متوسط درآمد ماهانه کل اعضای خانواده و منزلت شغلی سرپرست خانوار استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

از کل پاسخگویان، ۲۹/۱۲ درصد از نظر منزلتی در مناطق بالا، ۲۸/۰۲ درصد در مناطق متوسط قدیم و ۲۴/۷۲ درصد در مناطق متوسط جدید و همچنین ۱۸/۱۳ درصد در مناطق پایین ساکن هستند. از کل پاسخگویان ۳/۸ درصد بیسواد، ۱۴/۸ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۷/۶ درصد دارای تحصیلات راهنمایی، ۲۹/۱ درصد دارای تحصیلات متوسطه، ۲۴/۹ درصد لیسانس، ۹/۹ درصد فوق لیسانس و ۰/۵ افراد نمونه دارای تحصیلات دکترا هستند. همچنین میانگین سنی پاسخگویان ۴۳/۰۳ سال است و بیشترین فراوانی سنی در بین آنان ۳۲ سال است. کمترین سن ۲۷ و بیشترین مقدار آن ۷۱ سال است. میانگین درآمد سرانه خانوارها ۱۹۵/۸۷ هزار تومان بوده که در این بین بیشترین مقدار ۴۵۰ هزار تومان و کمترین مقدار ۵۰ هزار تومان بوده است.

آزمون فرضیات

در این قسمت فرضیات به کار برده شده در این پژوهش به صورت جداگانه به طور مجزا همراه با توضیحات هر یک از آن‌ها بیان خواهد شد.

فرضیه ۱: رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت شهروندی همانگونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، بین اعتماد اجتماعی و مشارکت شهروندی شهروندان شهر خرم آباد رابطه مثبت معناداری مشاهده می‌شود ($\text{sig} = ۰/۰۱۳$) و $r = ۰/۴۴۸$ ، بدین ترتیب فرضیه فوق در سطح $۰/۰۵$ تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر با افزایش اعتماد اجتماعی افراد، مشارکت شهروندی آنها نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۱: شاخص همبستگی بین متغیرهای اعتماد اجتماعی و مشارکت شهروندی

متغیر	شاخص آماری	ضریب همبستگی پیرسون	سطح
	متغیر	(r)	معناداری (p)
اعتماد اجتماعی	مشارکت شهروندی	۰/۴۴۸	۰/۰۱۳

فرضیه ۲: رابطه بین فایده مندی مشارکت شهروندی و مشارکت شهروندی همانگونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، بین فایده مندی مشارکت شهروندی و مشارکت شهروندی شهروندان شهر خرم آباد رابطه مثبت معناداری مشاهده می‌شود ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$ و $r = ۰/۶۹$)، بدین ترتیب فرضیه فوق در سطح $۰/۰۵$ تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر با افزایش فایده مندی مشارکت شهروندی افراد، مشارکت شهروندی آنها نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۲: شاخص همبستگی بین متغیرهای فایده مندی مشارکت شهروندی و مشارکت

شهروندی

متغیر	شاخص آماری متغیر	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معناداری (p)
فایده مندی مشارکت شهروندی	مشارکت شهروندی	۰/۶۹	۰/۰۰۰

فرضیه ۳: رابطه بین جامعه پذیری مشارکت شهروندی و مشارکت شهروندی همانگونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود، بین جامعه پذیری مشارکت شهروندی و مشارکت شهروندی شهروندان شهر خرم آباد رابطه مثبت معناداری مشاهده می شود ($r = 0/47$ و $sig = 0/000$)، بدین ترتیب فرضیه فوق در سطح $0/05$ تأیید می گردد. به عبارت دیگر با افزایش جامعه پذیری مشارکت شهروندی افراد، مشارکت شهروندی آنها نیز افزایش می یابد.

جدول ۳: شاخص همبستگی بین متغیرهای جامعه پذیری مشارکت شهروندی و مشارکت

شهروندی

متغیر	شاخص آماری متغیر	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معناداری (p)
جامعه پذیری مشارکت شهروندی	مشارکت شهروندی	۰/۴۷	۰/۰۰۰

فرضیه ۴: رابطه بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و مشارکت شهروندی همانگونه که در جدول شماره ۴ مشاهده می شود، بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و مشارکت شهروندی شهروندان شهر خرم آباد رابطه مثبت معناداری مشاهده می شود ($r = 0/41$ و $sig = 0/000$)، بدین ترتیب فرضیه فوق در سطح $0/05$ تأیید می گردد. به عبارت دیگر با افزایش پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد، مشارکت شهروندی آنها نیز افزایش می یابد.

جدول ۴: شاخص همبستگی بین متغیرهای پایگاه اجتماعی- اقتصادی و مشارکت شهروندی

متغیر	شاخص آماری متغیر	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معناداری (p)
پایگاه اجتماعی- اقتصادی	مشارکت شهروندی	۰/۴۱	۰/۰۰۰

تحلیل رگرسیون

بر اساس آزمون رگرسیون چند متغیری به روش (Enter) در تعیین مشارکت شهروندی از روی مجموع متغیرهای مستقل موجود، ملاحظه می شود که ضریب همبستگی چندگانه ($R = 0/723$) و ضریب تعیین ($R^2 = 0/522$) به دست آمده است، یعنی واریانس مشارکت شهروندی از روی متغیرهای مستقل معنا دار موجود در مدل می توان تا حدود ۵۲/۰ درصد را تبیین کرد.

جدول ۵: تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی

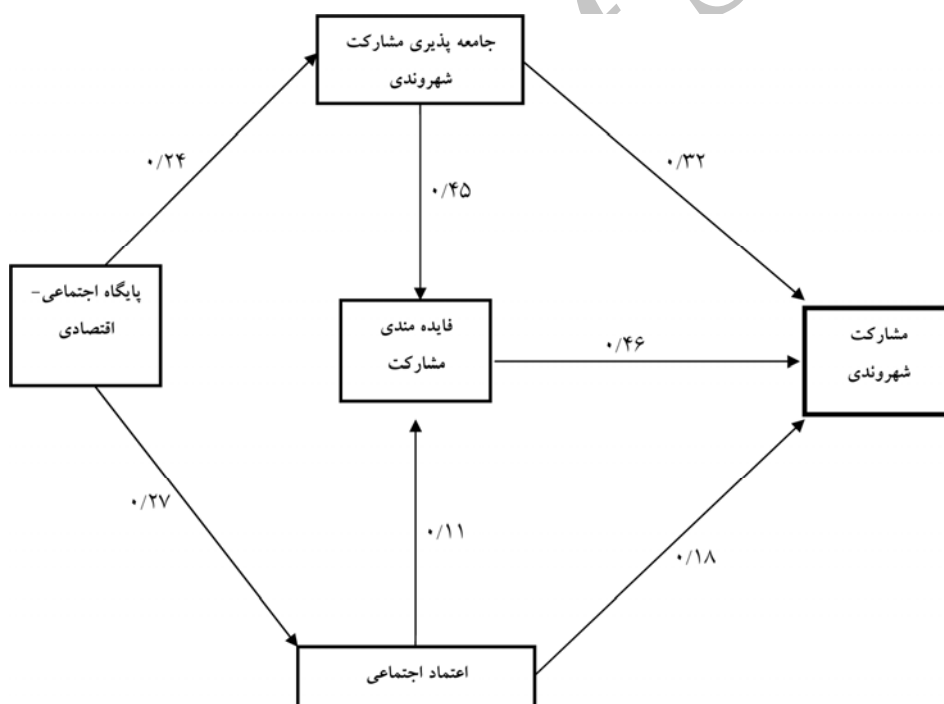
شاخص های آماری	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین
مقادیر	۰/۷۲۳	۰/۵۲۲

تحلیل مسیر

برای تعیین مسیر تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها بر یکدیگر، با توجه به مدل نظری پیشنهادی، از مدل معادلات رگرسیونی استفاده شد. برای این کار سه معادله طراحی شد. در گام اول مشارکت شهروندی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد و اثر پایگاه اجتماعی-اقتصادی، اعتماد اجتماعی، فایده مندی مشارکت شهروندی، جامعه پذیری مشارکت شهروندی بر روی آن محاسبه شد که متغیر فایده مندی مشارکت شهروندی بیشترین مقدار اثر را بر متغیر مشارکت شهروندی داشته است. در گام دوم متغیر مستقلی که بیشترین بتا را در ارتباط با متغیر وابسته داشته (فایده مندی مشارکت شهروندی) به عنوان

متغیر وابسته قرار گرفته است و دیگر متغیرهای مستقل تحقیق به عنوان متغیر مستقل با این متغیر در ارتباط گذاشته شد. متغیر جامعه پذیری مشارکت و اعتماد اجتماعی، رابطه مستقیم و معناداری با فایده مندی مشارکت شهروندی دارد. در گام سوم، متغیر جامعه پذیری مشارکت که دومین ضریب بتا را داشته است به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد و همانطور که نشان داده شده متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی با متغیر مورد نظر ارتباط مستقیم و معناداری داشته است.

این تحقیق بنابر نتایج به دست آمده مدل تجربی به صورت زیر ارائه می‌گردد:



جدول ۶: بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر مشارکت شهروندی

اثر کل	نوع اثر		متغیر مستقل
	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	
۰/۴۶	-	۰/۴۶	فایده مندی مشارکت
۰/۵۲	۰/۲۰	۰/۳۲	جامعه پذیری مشارکت
۰/۲۳	۰/۰۵	۰/۱۸	اعتماد اجتماعی
۰/۱۲	۰/۱۲	-	پایگاه اجتماعی- اقتصادی

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش مشارکت شهروندی بر اساس سه پارادایم واقعیت اجتماعی، تعریف و رفتار اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. در پارادایم واقعیت اجتماعی از، آنچه که از نظریات اندیشمندانی چون دورکیم، هابرماس استنباط می شد، اعتماد اجتماعی تأثیر بسزایی بر مشارکت شهروندی دارد. نتایج تحقیق حاضر، محتوای نظریات مذکور و کارهای پیشین انجام شده درباره با اعتماد اجتماعی، تأثیر آن بر مشارکت شهروندی را مورد تایید قرار می دهد. نتایج تحلیل رگرسیون تحقیق نشان می دهد که اعتماد اجتماعی و تأثیر مستقیم و معناداری بر مشارکت شهروندی دارد. این امر در تحقیقات ربانی و همکاران (۱۳۸۶)، صالحی (۱۳۸۵)، عباس زاده (۱۳۸۷) و وینسرا (۲۰۰۲) نیز مشاهده می شود. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون در این تحقیق نشان می دهد که اعتماد اجتماعی باعث فایده مند دانستن مشارکت و فایده مندی مشارکت باعث افزایش مشارکت شهروندی می شود. به طور کلی وجود اعتماد اجتماعی در جامعه در حکم قوه ای توانمند برای تشکیل و بسط روابط ثانوی است که به فضای عمومی طراوت و بالندگی ویژه ای می بخشد و جان مایه ای موثر برای کنشهای جمعی چون مشارکت شهروندی است.

بر اساس نظریات مارتین لیپست و هانتینگتون، پایگاه اقتصادی- اجتماعی بر میزان مشارکت شهروندی مؤثر است. این موضوع در تحقیق حاضر نیز نمایان است. در این

تحقیق پایگاه اجتماعی - اقتصادی با مشارکت شهروندی رابطه معنادار مستقیمی داشته است. در تحقیقات پیشین نیز پایگاه اجتماعی - اقتصادی صالحی (۱۳۸۵)، یزدان پناه (۱۳۸۲)، رابطه معناداری با مشارکت شهروندی داشته است. همچنین نتایج تحلیل مسیر نشان می دهد که هر چه پایگاه اجتماعی - اقتصادی فرد بالاتر باشد فرد از نظر جامعه پذیری مشارکت شهروندی، در مرتبه بالاتری قرار دارد که این امر باعث افزایش مشارکت شهروندی می شود.

در پارادایم تعریف اجتماعی آنچه که از نظریات پارسونز استنباط می شد این است که جامعه پذیری مشارکت باعث افزایش مشارکت شهروندی افراد می شود. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که جامعه پذیری مشارکت باعث افزایش مشارکت شهروندان می شود. نتایج حاصله کاربردی بودن نظریات مذکور در جامعه آماری مورد مطالعه تأیید می کند. همچنین در تحقیقات پیشین نیز احمدی (۱۳۸۳) و دوچرتی و همکاران (۲۰۰۱) به همین نتیجه دست یافتند. نقطه های آغازین تربیت و اجتماعی شدن کودک نقش بسیاری در رفتار آینده او دارد بنابراین هرچه مشارکت شهروندی در افراد در دوران کودکی بیشتر درونی شود در بزرگسالی با مشارکت شهروندی بیشتری از سوی وی مواجه هستیم.

در پارادایم رفتار اجتماعی آنچه که از نظریات هومنز، استنباط می شد این بود که هر چه فرد مشارکت شهروندی را فایده مفیدتر بداند بیشتر به این امر می پردازد. اگر شهروندان در ارزش یابی های خود در یابند که پاداشی که از مشارکت در امور به دست می آید کمتر از دیگر فعالیت حتما کمتر در امور مشارکت می کنند. در حقیقت افراد منافع آنی، قطعی و حقیقی را به منافع حاصل از مشارکت که طبیعتاً در آینده حاصل می شود ترجیح می دهند. با توجه به نتایج تحلیل مسیر این موضوع در این تحقیق به خوبی نمایان است. چراکه فایده مندی مشارکت شهروندی با $0/37$ و همبستگی $0/81$ بیشترین تأثیر را بر مشارکت شهروندی داشته است. تحقیقات پیشین عباس زاده (۱۳۸۷)، احمدی (۱۳۸۳)، دوچرتی و همکاران (۲۰۰۱) نیز به این نتیجه رسیده بود که هرچه فرد مشارکت را سودمندتر بداند بیشتر به مشارکت دست می زند. از دیدگاه هابرماس در جامعه

نوین از راه کنش ارتباطی است که انسانها از سلطه رهایی می یابند و جهان خود را به صورت عقلانی- ارتباطی و دموکراتیک می سازند. کنش ارتباطی نیز در یک فضا و حوزه عمومی مشکل می گیرد. وجود حوزه عمومی و گفتگوی آزاد و فارغ از سلطه، از ضروریات کنش مشارکتی است. اگر فرد خود را جزیی از جامعه و شهر خود نداند و احساس کند که کنش او در ساختن شهر بی فایده است هرگز در فعالیتهای مربوط به شهر و جامعه خود شرکت نخواهد کرد. بنابراین بخشی از اینکه شهروند بتواند خود را جزیی از شهر بداند و به شهر خود احساس تعلقی داشته باشد به عملکرد مسئولان و نهادهای شهری بستگی دارد. اگر این نهادها بتوانند این فضای عاری از سلطه را ایجاد و اعتماد مردم را نسبت به خود جلب کنند به طوری که مردم هیچ تردیدی به عملکرد آنها نداشته باشند، بیشتر به امر مشارکت می پردازند.

مدیران شهر قبل از مدیر بودن، خود یک شهروند هستند که وظیفه اجرای قوانین و رعایت آنها از سوی دیگر شهروندان در قالب قوانین مورد اتفاق همه به آنها واگذار شده است. میزان و نحوه اعتقاد مدیران شهر به قانون، نحوه ضمانت اجرا و همچنین مساوی بودن جملگی جامعه در برابر قانون از اهمیت شایان توجهی برخوردار است زیرا که اعتماد مردم را نسبت به خود و نهادهای شهری به دنبال دارد.

نشستهای عمومی هیأت های مردمی و مدیران به منظور اطلاع رسانی و توافق در مورد مدیریت شهری، ایجاد برنامه های همه پرسی و دسترسی آسان شهروندان به مسئولان شهر از دیگر عواملی است که می توان اعتماد شهروندان را به نهادهای شهری جلب کرد که این امر افزایش مشارکت شهروندی شهروندان را در پی دارد. مدارس به عنوان الگو و مدلی برای تمرین یک جامعه مدنی و نیز مهمترین نهاد در انتقال ارزشهای مدنی باید علاوه بر وجود آموزشی و درسی انتزاعی که تنها افزایش آگاهی شناختی را به دنبال دارد، ابعاد عاطفی بویژه رفتارهای عمل شهروندی را نیز رشد دهند. با آموزش فرهنگ گفتگو و نیز مهارتهای ارتباطی و مشارکتی در این نهاد می توان شاهد مشارکت شهروندی شهروندان در آینده باشیم. همچنین در این رابطه آموزش خانواده ها برای تربیت و آشنا کردن فرزندان

خود با شرکت در فعالیتهای گروهی می تواند راهکاری باشد برای افزایش مشارکت شهروندان در آینده که این آموزش می تواند از طریق رسانه های جمعی صورت گیرد.

منابع

- ۱- ادیبی سده، مهدی و هارطونیان، هاکپ (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت در اداره امور شهرها در شهر فرخ شهر استان چهارمحال و بختیاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲- پیوزی، مایکل (۱۳۷۹). یورگن هابرماس، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات هرمس.
- ۳- دهقان، علیرضا و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). تبیین مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، ش اول، صص ۶۷-۹۸.
- ۴- دیلینی، تیم (۱۳۸۸). نظریه های کلاسیک جامعه شناسی، ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- ۵- ربانی، رسول و همکاران (۱۳۸۶). بررسی تأثیر رفاه اقتصادی و اجتماعی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد مطالعه شهر اصفهان)، دو فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال چهارم، ش دوم، صص ۷۳-۹۹.
- ۶- ریتزر، جورج (۱۳۸۵). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات علمی.
- ۷- ساروخانی، باقر و امیرپناهی، محمد (۱۳۸۵). ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی، فصلنامه پژوهش زنان، دوره چهارم، ش سوم، صص ۳۱-۶۰.
- ۸- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰). مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، ش هشتم، صص ۴۲-۵۵.

- ۹- صالحی، یاسان (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهری شهر بجنورد، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۰- عباس زاده، محمد (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد مطالعه: شهر اصفهان)، پایان نامه دکتری، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- ۱۱- عبدالهی، محمد (۱۳۸۳). زنان و نهادهای مدنی؛ مسائل، موانع و راهبردهای مشارکتی مدنی زنان در ایران، مجله جامعه شناسی ایران، سال پنجم، ش دوم: صص ۶۳-۹۹.
- ۱۲- کرایب، یان (۱۳۸۶). نظریه های اجتماعی مدرن، ترجمه عباس مخبر، چاپ چهارم، تهران: نشر آگه.
- ۱۳- گی روشه (۱۳۷۶) جامعه شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه هادی غبرانی و داود طبائی، تهران: انتشارات روش.
- ۱۴- وحید، فریدون و نیازی، محسن (۱۳۸۳). تأملی در مورد رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۳، صص ۱۱۷-۱۴۵.
- 15- Baum, H.S (2004). Citizen participation, international encyclopedia of the social & behavioral sciences, pp 1840-1846.
- 16- Docherty, I. Goodlad, R & Paddison R. (2001). Civic culture community and citizen participation in contrasting neighbourhoods, Urban studies, Vol. 38, No 12, pp 2225-2250.
- 17- Hardin, R., (1988). Trust in government in: Valerie Baithwaite and Margaret Mlewi (eds) Trust and governance. New Russell Sage foundation: 9-27.
- 18- Ohmer, M. L (2007). Citizen participation in neighbourhood organizations in poor communities and relationship toneighbourhood and organizational collective efficacy, Journal of sociology and social Welfare, Vol, XXXIII, No 1, pp 179-202.